

بار مسئولیت بیشتر در سنین سالمندی:

مطالعه روند و الگوهای ترتیبات زندگی سالمندان در ایران

میلاذ بگی* ، محمد جلال عباسی شوازی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

چکیده

ترتیبات زندگی سالمندان در کشورهای در حال توسعه از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا دولت‌ها به دلیل نداشتن نظام‌های مراقبتی و بهداشتی تکامل یافته، نمی‌توانند تمامی حمایت‌های مورد نیاز سالمندان را فراهم کنند. مطالعه حاضر باهدف بررسی ترتیبات زندگی افراد ۶۰ ساله و بالاتر در ایران در طول چهار دهه گذشته (۱۳۹۸-۱۳۶۳) انجام گرفت. داده‌ها از طرح هزینه و درآمد خانوار که به صورت سالانه و توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان‌های سرپرستی سالمندان در طول دوره افزایش یافته است. هرچند این افزایش برای هر دو جنس مشاهده می‌شود اما برای زنان دو برابر بیشتر از مردان بوده است. مردان سالمند، بیشتر خانوارهای هسته‌ای را سرپرستی می‌کنند در حالی که بیشتر خانوارهایی که زنان سرپرستی آن‌ها را بر عهده‌دارند از نوع تک‌نفره و تک‌والد هستند. همچنین بر تعداد سالمندانی که به تنهایی زندگی می‌کنند افزوده شده و بعد خانوار آن‌ها نیز کاهش یافته است. تعداد خانوارهای با سرپرست سالمند که فرزندی بزرگ‌سال در آن‌ها حضور دارد در مقایسه با گذشته افزایش داشته است. با این حال به نظر نمی‌رسد که این هم‌سکنایی در جهت رفاه و آسایش بیشتر والدین سالمند بوده باشد. در واقع تغییرات در ترتیبات زندگی سالمندان در ایران در طول سه دهه گذشته منجر به وارد آمدن فشار مضاعف بر سالمندان شده است و آن‌ها در سنین بالا همچنان مسئولیت‌هایی همچون مدیریت خانوار و تأمین ملزومات اعضای آن را بر عهده‌دارند.

واژه‌های کلیدی: ترتیبات زندگی، سالخوردگی، سالمندان، خانوار، ایران

* استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول). m.bagi@basu.ac.ir

** استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (استاد افتخاری دانشگاه ملبورن استرالیا).

mabbasi@ut.ac.ir

مقدمه

سهم نسبی سالمندان از کل جمعیت جهان رو به افزایش است و سالمندی به یک پدیده جهانی تبدیل شده است. در ۱۹۸۰ حدود ۳۸۲ میلیون نفر از جمعیت جهان را افراد ۶۰ ساله و بالاتر تشکیل می‌دادند که با افزایشی دو و نیم برابری در سال ۲۰۱۷ به ۹۶۲/۳ میلیون رسیده است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰ نزدیک به ۲۸/۱ درصد جمعیت جهان (۲/۱ میلیارد) را سالمندان به خود اختصاص دهند (United Nations, 2017: 5).

کشورهای توسعه یافته صنعتی، نظام‌های اجتماعی، بازنشستگی و بهداشتی خود را برای حمایت از افراد سالمند توسعه داده و منابع لازم را تکمیل کرده‌اند. در مقابل، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این حمایت‌ها از سوی دولت‌ها در دسترس نیست. این در حالی است که در سال ۲۰۱۷ بیش از دو سوم جمعیت سالمند در مناطق در حال توسعه زندگی می‌کردند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ این جمعیت دو برابر (از ۷۶۲ میلیون به ۱/۷ میلیارد) شود (همان: ۴). سالخوردگان در کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین اغلب به کمک‌های اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی نیاز دارند، اما بیشتر این دولت‌ها در ارائه این کمک‌ها ناتوان هستند (Bongaarts & Zimmer, 2002: 145). در نتیجه در این کشورها، سالمندان برای رفاه و بقای خود وابستگی زیادی به اعضای خانواده و خانوار دارند و اقامت مشترک سالمندان و فرزندان آن‌ها می‌تواند موجب شود تا سالمندان از نظر جسمانی در شرایط مطلوب‌تری باشند.

در واقع اگرچه سالمندان ممکن است توان حمایت‌های مالی و شخصی در سال‌های اولیه سالمندی را داشته باشند اما با بالا رفتن سن، وابستگی آن‌ها به مراقبت دیگران بیشتر خواهد شد. از این رو است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، نقش خانوارها به‌عنوان نهاد اصلی مسئول توزیع کالا و خدمات بین نسلی از اهمیت بالایی برخوردار است (Bongaarts & Zimmer, 2002: 145; Becker, 1991; Thornton et al., 1984: 477).

ترتیبات زندگی^۱ سالمندان از یک سو به بافت اجتماعی و شرایط اقتصادی جامعه و از سوی دیگر به ترجیحات و ویژگی های فردی افراد داخل خانوار بستگی دارد. تغییرات صورت گرفته در ویژگی های نسل جوان یکی از این عوامل می باشد. امروزه میل به سرمایه گذاری تحصیلی بیشتر و تکمیل تحصیلات دانشگاهی به عنوان امکانی برای فرصت های شغلی جوانان مطرح است (Furlong & Cartmel, 1996: 14). این موضوع سبب طولانی تر شدن دوره جوانی فرزندان و در نتیجه تأخیر در ازدواج و انتقال دیرتر آنان به دوره بزرگ سالی شده است که خود می تواند به باقی ماندن فرزندان در خانه والدین تا سنین بالاتر و در نتیجه افزایش تعداد سالمندانی که با جوانان زندگی می کنند، بیفزاید. در طرف مقابل، افزایش ترجیحات حریم خصوصی، سکولاریسم، تمرکز بر ارزش های فردی، روابط زناشویی جدید و انتخاب انواع جدیدی از خانوارها که با گرایش های فردی و جهت گیری های ارزشی جوانان مرتبط است (Lesthaeghe, 2014: 3; Lesthaeghe & Surkyn, 2002: 7) سبب می شود تا احتمال جدایی فرزندان از والدین سالمند افزایش یابد. ایران به عنوان کشوری در حال توسعه تا یک دهه پیش، دارای ساختار سنی جوان بود، باین حال روندهای جمعیتی چند دهه گذشته سبب شده است تا تغییرات عمده ای در ساختار سنی آن رخ دهد. کاهش میزان باروری کل از ۶/۹ به ۲/۱ فرزند در طی تنها ۱۵ سال اتفاق افتاد (Abbasi Shavazi et al, 2009: 9). میزان مرگ و میر نوزادان از ۲۲۰ هزار در ۱۳۳۰ به ۱۵ هزار در ۱۳۹۵ کاهش یافت و در همین مدت میزان امید زندگی از ۴۱ سال به ۷۶ سال رسید (United Nations, 2019). همه این عوامل سبب شده است تا جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر در ایران از حدود ۶/۸ درصد در ۱۳۴۵ به ۹/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ (۷/۴ میلیون نفر) افزایش یابد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۸). پیش بینی ها بر آورد می کنند که این جمعیت در سال ۱۴۳۰ حدود ۲۷/۹ درصد از کل جمعیت ایران را به خود اختصاص دهند (United Nations, 2019). در واقع ساختار سنی جوان جمعیت ایران از حدود سال ۱۳۸۵ به سمت ساختار سالمند در حال تغییر است (میرزایی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۶۰، قبادی ۱۳۸۹: ۴).

سالخورده شدن جمعیت در ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با وقوع تحولات اقتصادی اجتماعی و جمعیتی هم‌زمان شده است. امروزه افراد از تحصیلات بالاتری برخوردارند، شهرنشینی به سطح بالایی رسیده است (۷۴ درصد)، زنان فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند (میزان باروری کل حدود ۲ فرزند به ازای هر زن در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۱)، امید زندگی افزایش یافته و افراد سال‌های بیشتری را زنده می‌مانند (۷۶/۹ سال برای زنان و ۷۴/۶ سال برای مردان). اثرات این تغییرات بر خانواده‌ها، خانوارها و شبکه‌های خویشاوندی قابل توجه است و می‌تواند به لحاظ حمایتی، پیامدهای نسبتاً پیچیده و متفاوتی برای سالمندان در پی داشته باشد.

از طرفی شواهد رو به رشدی وجود دارد که هم‌سکنایی فرزندان بزرگ‌سال و والدین بیشتر به دلیل نیازهای فرزندان صورت می‌گیرد تا والدین و این امر منفعت بیشتری برای فرزندان در پی داشته است (Wiemers et al, 2017: 111; Choi. 2013: 400; Kahn et al, 2013: 1449). در چنین شرایطی فشار بیشتری بر روی والدین سالمند وارد خواهد شد و آن‌ها در سنینی که بایستی از آرامش خاطر برخوردار باشند، مجبور هستند به فکر تأمین نیازهای مالی خود و اعضای خانوار باشند. مطالعات در ایران نشان می‌دهد در طول سه دهه گذشته از میزان‌های سرپرستی جوانان کاسته شده است و فرزندان تا سنین بالاتری در خانه والدین باقی می‌مانند (بگی ۱۳۹۷: ۱۰۵، عباسی شوازی و بگی ۱۳۹۹: ۲۵۹).

بیشتر این فرزندان به‌عنوان اعضا وابسته در خانوار حضور دارند و از طرف والدین حمایت مالی می‌شوند. میانگین سن ازدواج در هر دو جنس افزایش داشته است و میزان بیکاری جوانان نیز در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۵ درصد بوده است (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۹۲: ۱۱) که این میزان در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳۰ درصد نیز رسیده است (علیپور و همکاران ۱۳۹۷: ۴۵) و این امر افزایش وابستگی فرزندان به والدین را در پی داشته است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که میزان انتقالات مالی از والدین سالمند به فرزندان بیش از انتقالات فرزندان به سالمندان بوده است. همه این موارد سبب شده است تا در طول این سال‌ها بر تعداد افراد سالمند سرپرست خانوار در ایران افزوده شود. از طرفی نظام تأمین

اجتماعی در کشور از کارایی کافی برای حمایت از سالمندان برخوردار نیست به گونه‌ای که بخش زیادی از سالمندان برای تأمین هزینه‌های خود بایستی درگیر فعالیت اقتصادی باشند (ضرغامی و فریمان، ۲۰۱۵: ۱۵۴).

بر این اساس مقاله حاضر به بررسی ترتیبات زندگی سالمندان در ایران در طول دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۳ می‌پردازد. همچنین سعی داریم تا به این سؤالات پاسخ دهیم که چه تغییراتی در میزان‌های سرپرستی سالمندان و ترتیبات زندگی آنان رخ داده است؟ هم‌سکنایی افراد سالمند با فرزندان در ایران در جهت تأمین منافع کدام دسته بوده است؟ چه عواملی بیشترین تأثیر را در احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط افراد سالمند داشته است؟

چارچوب نظری

برای تبیین ترتیبات زندگی سالمندان می‌توان از چارچوب‌های تئوریک خرد و کلان و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی استفاده کرد. نظریه‌های زیست‌شناختی، سالخوردگی را از نظر جسمی و فیزیکی مورد بررسی قرار می‌دهند. تئوری‌های روان‌شناختی به لحاظ موارد رفتاری و روحی-روانی به سالخوردگی می‌پردازند اما نظریه‌های جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی به پیری و سالخوردگی به عنوان یک موضوع اجتماعی نگاه می‌کنند. در اینجا ما بر این دسته از نظریه‌ها متمرکز خواهیم شد.

نظریه نابرابری تجمعی^۱ در تبیین ترتیبات زندگی سالمندان روندهای گذشته افراد را به پیامدهای مراحل آخر زندگی نظیر سلامت روحی و فیزیکی و شرایط اقتصادی اجتماعی به هم مرتبط می‌کند (Feraro et al, 2009: 414). در این نظریه بر تأثیر شرایط اجتماعی مراحل اولیه زندگی بر سال‌های آخر زندگی تأکید شده است. این امر می‌تواند

بیانگر این موضوع باشد که افرادی که در دوره جوانی و میانسالی با مشکلات اقتصادی-اجتماعی بیشتری روبرو بوده‌اند، احتمالاً در دوران سالمندی مشکلات بیشتری را در مقایسه با هم‌تایان خود تجربه می‌کنند زیرا پیامدهای این مشکلات با هم جمع شده و به دوران سالمندی فرد منتقل می‌شود. برای مثال افرادی که در دوره جوانی و میانسالی از حقوق ثابت و بیمه برخوردار نبوده‌اند، در سنین سالمندی نیز فاقد مقرری‌ها و حمایت‌های سازمانی خواهند بود و لذا وابستگی بیشتری به خانواده و هم‌سکنایی با والدین بزرگسال خود خواهند داشت.

از طرفی محققان علاقه‌مند به مطالعه مسیر زندگی^۱ بر موضوع هم‌سکنایی سالمندان با فرزندان تأکید کرده و اهمیت مفهوم زندگی‌های مرتبط^۲ را به‌عنوان ابزاری مفید در درک اقدامات و تعاملات اعضای خانواده در طول زمان اثبات کرده‌اند (Marshall & Bengtson, 2011: 20). روابط متقابل بین دو نسل والدین سالمند و فرزندان در ارائه حمایت‌های مالی، جسمی و عاطفی نقش دارد که این امر خود بر رضایت سالمندان از زندگی تأثیر می‌گذارد. این الگو را می‌توان در بیشتر کشورهای در حال توسعه مشاهده کرد؛ جایی که حمایت‌های خانوادگی بسیار مهم است و به‌عنوان بخشی از ارزش‌ها یا هنجارهای سنتی جامعه به شمار می‌رود. روابط خانوادگی نوعی بیمه اجتماعی^۳ را برای سالمندان فراهم می‌کند که برای سال‌های پایانی زندگی آنها مهم است (Hildreth et al, 1980: 386). حمایت عاطفی ابزاری که توسط خویشاوندان، دوستان و سازمان‌ها ارائه می‌شود، اطمینان حاصل می‌کند که فرد در کنار آمدن با زندگی روزمره خود، حمایت موردنیاز را دریافت می‌کند البته بایستی به این نکته توجه کرد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که دولت‌ها تدارکات رفاهی کافی را برای سالمندان فراهم نمی‌کنند، مسئولیت اصلی بر عهده خانواده است.

1. life course
2. Linked lives
3. Social insurance

به طور کلی انتظار می‌رود که هر دو نسل به حمایت و پشتیبانی متقابل نیاز دارند و تحقیقات نشان داده است که اقامت مشترک و هم‌سکنایی برای هر دو نسل به یک اندازه از اهمیت برخوردار است (Casterline et al, 1991). برای مثال تحقیقات انجام شده در مورد پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و تأثیر آن‌ها، مفهوم زندگی‌های مرتبط را به فراتر از مرزهای خانواده هسته‌ای گسترش داده است. با افزایش طول عمر و امید زندگی آن‌ها سال‌های بیشتری می‌توانند نقش مراقبت از خانواده و تربیت آن‌ها را بازی کنند و به‌عنوان حاملان اصلی ارزش‌ها و آموزش‌های اخلاقی و معنوی و همچنین هویت فردی و خانوادگی به کار گرفته شوند (Marshall & Bengtson, 2011: 25). بنابراین، در نظر گرفتن سالمندان به‌عنوان یک گروه منفعل که درمانده و وابسته به دیگران هستند چندان موردپذیرش قرار نمی‌گیرد. این دیدگاه توسط نظریه فعالیت و نظریه تداوم پشتیبانی می‌شود.

بر مبنای نظریه فعالیت، رفاه فردی و رضایت از زندگی با میزان فعالیت و مشارکت افراد سالمند رابطه مثبتی دارد. بر این اساس آن‌ها با فعال بودن در جامعه با نقش‌ها و موقعیت اجتماعی سالمندان سازگار می‌شوند. میزان بالای مشارکت در فعالیت‌ها رضایت شخصی را افزایش داده و به ایجاد هویت اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین، افراد سالمند به طیف وسیعی از فعالیت‌های تولیدی یا تفریحی نیاز دارند (Mohd et al, 2016: 3). به‌عنوان مثال مراقبت از کودکان و نگهداری از منزل اغلب به‌عنوان فعالیتی از سوی افراد سالمند برای کمک به فرزندان بزرگسال خود تلقی می‌شود. این فعالیت‌های مداوم رضایت بالاتری از زندگی در افراد مسن پرورش می‌دهد.

تئوری هم‌جهت دیگر در این زمینه، نظریه تداوم پیری است که توسط اشلی^۱ (۱۹۹۹) ارائه شد و بیان می‌کند که افراد الگوهای فکری، فعالیت‌ها، عادت‌ها، روابط، ارزش‌ها و نگرش‌های خود را حفظ کرده و با تغییرات سازگار می‌شوند و با استفاده از استراتژی سازگاری، تصمیمات و رفتارهای فعلی و آینده خود را به دوران سالمندی و بازنشستگی منتقل می‌کنند. افراد میانسال و سالمند در واقع تغییر نمی‌کنند و همچنان که سن آن‌ها بالا

1. Atchley

می‌رود فردیت و شخصیت خود را حفظ می‌کنند (51: 013^۲، کحظس). بر مبنای این نظریه، افراد سالخورده به ادامه روش‌های تجربه‌شده تمایل نشان می‌دهند. این امر رفتار آن‌ها را قابل پیش‌بینی کرده و بنابراین با آگاهی به این عوامل می‌توان پیش‌بینی کرد که آن‌ها چگونه پیر می‌شوند. بنابراین افرادی که در گذشته دارای مشارکت بیشتری در زندگی جمعی بوده‌اند در سالمندی نیز این روال را حفظ خواهند کرد.

در طرف مقابل دیدگاه‌های متضادی نیز شکل گرفته‌اند. به‌عنوان مثال نظریه عدم تعهد چنین بیان می‌کند: به تدریج که پیری آغاز می‌شود، سالمندان به دلیل بازنشستگی، بیوه شدن یا عدم توانایی در شرکت در فعالیت‌های قبلی و نقش‌های اجتماعی، از این نقش‌ها صرف‌نظر می‌کنند و آن‌ها را به نسل‌های جوان‌تر واگذار می‌کنند (۲۹: ۲۰۰۸، کحظس). محدودیت در تعامل اجتماعی و عدم علاقه و انگیزه زندگی می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در کناره‌گیری سالمندان از جامعه باشد. باین حال این امر در بین فرهنگ‌ها متفاوت است. هم‌زمان جامعه نیز افراد سالمند را از خود جدا می‌سازد. البته در این دیدگاه، موضوع جدایی از جامعه می‌تواند به نفع افراد سالمند نیز باشد زیرا آن‌ها از زیر بار سنگین وظایف و نقش‌های اجتماعی رها می‌سازد (Mohd et al, 2016: 4).

برخی نظریه‌پردازان نیز تأثیرات نوسازی بر ترتیبات زندگی سالمندان را مورد توجه قرار داده‌اند. کوگیل دونالد^۱ (۱۹۸۶) نظریه مدرنیزاسیون را برای تبیین سالمندی به کار برده است. تأثیر نوسازی از طریق تغییر در ساختارهای خانواده و تغییر از یک خانواده عمودی گسترده به یک خانواده هسته‌ای کوچک‌تر و تضعیف خویشاوندی منعکس می‌شود (کحظس، 20: 2001). به موازات گذار جمعیت شناختی و صنعتی شدن، پایگاه سالمندان به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. به گفته دونالد (۱۹۸۶) با پیشرفت در فناوری‌های بهداشتی، رشد و تولید اقتصادی، پیشرفت تکنولوژی، شهرنشینی، بهبود سواد و سطح تحصیلات، نقش‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی سالمندان روبه‌زوال می‌رود. در نتیجه شهرنشینی و نوسازی، رقابت شغلی بین افراد سالمند جامعه و بزرگسالان جوان شکل خواهد گرفت.

1. Cowgill Donald

بار مسئولیت بیشتر در سنین سالمندی...، بگی و عباسی | ۱۴۳

در نتیجه، افراد مسن به دلیل داشتن تحصیلات کمتر مجبور به ترک بازار کار می‌شوند که در نهایت منجر به کاهش درآمد، پرستیژ و پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان می‌شود. به طور کلی، فرض ما بر این است که در جامعه ایرانی علیرغم وقوع تغییرات عمده اقتصادی-اجتماعی، مشارکت سالمندان در اجتماع و کارهای تولیدی و نیز پذیرش مسئولیت‌هایی همچون سرپرستی خانوار همچنان ادامه دارد. اگرچه مقداری از این مشارکت به موضوعات فرهنگی و احترام افراد و جامعه در قبال سالمندان برمی‌گردد، اما به نظر می‌رسد عدم حمایت کافی از سوی دولت و از طرفی تأخیر در ورود فرزندان بزرگسال آن‌ها به بازار کار و ازدواج به دلیل مشکلات موجود از دلایل اصلی باقی ماندن سالمندان در جایگاه سرپرست خانوار می‌باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد ترتیبات زندگی سالمندان در ایران با نظریه‌هایی همچون فعالیت، نابرابری تجمعی و مسیر زندگی قابل تبیین باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش کمی و از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از تکنیک تحلیل ثانویه انجام گرفت. داده‌های مورد استفاده مربوط به طرح هزینه و درآمد خانوار می‌باشد که توسط مرکز آمار ایران و به صورت سالانه اجرا می‌شود. با توجه به اینکه داده‌های خام این طرح تنها از سال ۱۳۶۳ به بعد در دسترس هستند، تحلیل‌ها بر روی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۸ (۳۶ سال) متمرکز شدند. جامعه آماری کلیه سالمندان کشور در بازه زمانی مورد نظر می‌باشد که در طرح هزینه و درآمد خانوار به صورت نمونه‌گیری و در سرشماری به صورت تمام شماری انجام گرفته است. شیوه انتخاب نمونه در طرح هزینه و درآمد به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. در پژوهش حاضر، افراد ۶۰ ساله و بالاتر در هر سال انتخاب شدند^۱ که در مجموع اطلاعات ۳۹۶۹۲۷ نفر مورد تجزیه و تحلیل

۱- هیچ معیار عددی استاندارد از سوی سازمان ملل برای مشخص کردن و تعریف یک فرد سالخورده وجود ندارد، اما در بسیاری از مطالعات و تحقیقات انجام شده توسط این سازمان، سن ۶۰ سال و بالاتر برای اشاره به

قرار گرفت. آماده‌سازی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Stata 15 انجام شد. بر همین اساس واحد تحلیل فرد ۶۰ ساله و بالاتری است که اطلاعات آن گردآوری شده است.

پرسشنامه طرح هزینه و درآمد خانوار از چهار بخش تشکیل شده است که عبارت‌اند از: (۱) اطلاعات افراد حاضر در خانوار، (۲) تسهیلات و امکانات خانوار، (۳) هزینه‌های خانوار و (۴) درآمدهای اعضای خانوار. داده‌های مورد استفاده در این مقاله از اطلاعات بخش اول گرفته شده است. ترتیبات زندگی سالمندان بر اساس سؤال "بستگی با سرپرست خانوار" مشخص شده است. در سؤال مربوطه، برای هر یک از افراد حاضر در خانوار یک کد اختصاص داده شده است که عبارت‌اند از: ۱- سرپرست خانوار، ۲- همسر سرپرست، ۳- فرزند، ۴- عروس یا داماد، ۵- نوه یا نتیجه، ۶- والدین، ۷- خواهر یا برادر، ۸- سایر خویشاوندان، ۹- غیر خویشاوند. در این بخش همچنین ویژگی‌های همچون وضعیت اشتغال، سن، وضعیت تأهل، وضع سواد و سطح تحصیلات، محل سکونت و جنس مورد سؤال قرار گرفته شده است. اعتبار صوری وسیله اندازه‌گیری (پرسشنامه) مورد استفاده در پیمایش هزینه و درآمد خانوار توسط مرکز آمار ایران مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش‌های جمعیت‌شناختی مرسوم^۱ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

جمعیت سالخورده استفاده شده است (سازمان جهانی بهداشت ۲۰۲۰). لازم به ذکر است در تعاریف جدید و با توجه به افزایش امید زندگی در بسیاری از نقاط جهان، معمولاً افراد بالاتر از ۶۵ سال را سالمند تعریف می‌کنند، منتها برخی محققان معتقدند که این موضوع نیز مانند بسیاری از مفاهیم غربی شده با کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه سازگار نیست. لذا در مطالعه حاضر نیز بر اساس تحقیقات گذشته و به منظور ارائه تصویری کامل از سالمندی در ایران و نیز از آنجاکه این مطالعه بر ۳۵ سال گذشته متمرکز شده است، افراد بالاتر از ۶۰ سال مدنظر قرار گرفته‌اند.

۱- شاخص‌هایی همچون: شاخص ویپل و مایرز برای ارزیابی گزارش سن و جنس و شاخص عدم تشابه ساختار سنی دو جمعیت برای بررسی ساختار سنی جمعیت نمونه و جمعیت کل کشور در سال‌های انجام سرشماری. نتایج همه آزمون‌ها رضایت‌بخش بوده و نشان از بهبود داده‌ها در طول زمان می‌دهد.

برای بررسی نقش زمان، متغیر دوره ساخته شد که زمان مورد مطالعه را به ۸ دوره تقسیم کردیم. از آنجا که قصد داشتیم دوره‌های زمانی با سال‌های سرشماری تطبیق پیدا کند، مجبور شدیم دوره اول و آخر را سه‌ساله در نظر بگیریم. سایر دوره‌ها به صورت پنج‌ساله هستند. آمارهای توصیفی و ترتیبات زندگی افراد بر اساس این هشت دوره آورده شده است. برای بررسی احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی سالمندان نیز از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد. متغیر وابسته احتمال سرپرستی خانوار توسط افراد ۶۰ ساله و بالاتر بود که برای این امر به افراد سالمند سرپرست کد ۱ و به افراد سالمند غیر سرپرست کد ۰ داده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین بُعد خانوار و همچنین درصد افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند را بر حسب دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد. این نتایج برای کل جمعیت و جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر به طور جداگانه بر حسب جنس ارائه شده است. میانگین بُعد خانوار برای کل جمعیت از ۵/۱۶ نفر در ابتدای دوره به ۳/۴ نفر در انتهای دوره کاهش داشته است. تجربه مشابهی در مورد خانوارهای سالمندان مشاهده می‌شود به طوری که از ۳/۷۸ نفر در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۳ به ۲/۷۶ نفر در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۶ کاهش یافته است. میانگین بُعد خانوار برای سرپرستان مرد سالمند در تمامی دوره مورد مطالعه بالاتر از خانوارهای زنان سالمند می‌باشد، هر چند این تفاوت در طول زمان رو به کاهش گذاشته است (از ۲/۷۴ به ۱/۳۱ نفر).

جدول ۱- میانگین بُعد خانوار و درصد خانوارهای تک‌نفره بر اساس دوره، جنس و سن ۱۳۶۳-۱۳۹۸

۱۳۹۸-۱۳۹۶	۱۳۹۵-۱۳۹۱	۱۳۹۰-۱۳۸۶	۱۳۸۵-۱۳۸۱	۱۳۸۰-۱۳۷۶	۱۳۷۵-۱۳۷۱	۱۳۷۰-۱۳۶۶	۱۳۶۵-۱۳۶۳	
۳/۴۲	۳/۵۵	۳/۸۸	۴/۳۶	۴/۸۵	۴/۹۵	۵/۴۰	۵/۱۸	میانگین بُعد خانوار
میانگین بُعد خانوار برای:								
۲/۷۶	۲/۹۱	۳/۲۰	۳/۶۳	۳/۸۹	۳/۸۲	۴/۰۰	۳/۷۸	۶۰ ساله و بالاتر
۳/۱۰	۳/۲۹	۳/۶۵	۴/۰۷	۴/۳۵	۴/۲۴	۴/۵۱	۴/۳۰	مردان ۶۰ ساله و بالاتر
۱/۷۹	۱/۸۳	۱/۷۶	۱/۷۸	۱/۷۲	۱/۷۶	۱/۶۲	۱/۵۶	زنان ۶۰ ساله و بالاتر
خانوارهای تک‌نفره:								
۷/۱	۶/۸	۵/۹	۴/۵	۴/۲	۴/۲	۴/۸	۴/۸	کل جمعیت
۱۷/۴۰	۱۸/۰۰	۱۷/۶۳	۱۴/۳۹	۱۳/۵۱	۱۳/۲۳	۱۵/۴۷	۱۶/۹	افراد ۶۰ ساله و بالاتر
۴/۱۵	۴/۷۲	۴/۳۳	۳/۴۸	۳/۰۰	۳/۰۷	۳/۷۶	۳/۷۸	مردان ۶۰ ساله و بالاتر
۵۵/۷۷	۵۶/۰۶	۶۰/۰۱	۶۰/۸۲	۶۲/۹۹	۶۲/۸۴	۶۹/۵۵	۶۹/۱۹	زنان ۶۰ ساله و بالاتر

تعداد افرادی که به‌تنهایی زندگی می‌کنند در کشورهای در حال توسعه کمتر از کشورهای غربی است که این امر به دلیل ساختارهای فرهنگی و سنتی موجود در این جوامع می‌باشد. این امر در مورد ایران هم صدق می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ تنها ۴/۸ درصد افراد در خانوارهای تک‌نفره زندگی می‌کردند که در دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۸ به ۷/۱ درصد افزایش یافته است. باین حال تعداد افراد سالمندی که به‌تنهایی زندگی می‌کنند در دوره اول ۱۶/۹ درصد و در دوره پایانی ۱۷/۴ درصد بوده است. تفاوت مهم و اصلی در بین جمعیت سالمند زن و مرد مشاهده می‌شود. به‌طوری‌که

۶۹/۱۹ درصد زنان سالمند در دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ به تنهایی زندگی می‌کنند در حالی که این رقم برای مردانی که به تنهایی زندگی می‌کنند، فقط ۴/۳ درصد است. هرچند در تمامی طول دوره مورد مطالعه این تفاوت وجود دارد، با این حال تعداد مردانی که تنها زندگی می‌کنند رو به افزایش گذاشته است ولی این روند برای زنان روندی کاهشی را نشان می‌دهد (۱۳/۴ درصد کاهش در طول دوره).

در جدول ۲ میزان‌های سرپرستی سالمندان برحسب، سن، جنس و محل سکونت در دوره‌های مختلف نمایش داده شده است. نتایج حاکی از آن است که میزان سرپرستی سالمندان در طول دوره مورد مطالعه با افزایشی تقریباً ۱۰ درصدی از ۵۶/۸ درصد به ۶۶/۵ درصد رسیده است. چنانچه این میزان‌ها را برحسب جنس تفکیک کنیم متوجه خواهیم شد که میزان سرپرستی زنان سالمند افزایشی ۱۲ درصدی داشته است حال آنکه این افزایش برای مردان ۹ درصد بوده است. با این حال در تمامی دوره‌ها، درصد مردان سالمند سرپرست بیش از زنان بوده است. از جمله دلایل این موضوع می‌توان به امید زندگی بالاتر زنان و نیز احتمال ازدواج مجدد مردان بعد از فوت همسر اشاره کرد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بیشترین افزایش میزان سرپرستی برای دو گروه سنی ۷۹-۷۰ و ۸۰+ سال رخ داده است ولی برای گروه سنی ۶۹-۶۰ ساله تقریباً ثابت بوده است. نتایج به دست آمده برحسب محل سکونت نیز حاکی از آن است که اگرچه در دوره اول میزان سرپرستی سالمندان در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است، اما با گذشت زمان این امر برعکس شده است. ۵۴/۷ درصد سالمندان شهری در دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ سرپرست خانوار بودند در حالی که در پایان دوره این میزان به ۶۷ درصد افزایش یافته است. در مناطق روستایی نیز این افزایش دیده می‌شود با این حال این افزایش با سرعت پایین تری رخ داده است به طوری که از ۵۹ درصد به ۶۵ درصد رسیده است.

جدول ۲- میزان‌های سرپرستی سالمندان برحسب دوره، سن، جنس و محل سکونت، ایران ۱۳۹۸-۱۳۶۳

-۱۳۹۸	-۱۳۹۵	-۱۳۹۰	-۱۳۸۵	-۱۳۸۰	-۱۳۷۵	-۱۳۷۰	-۱۳۶۵	
۱۳۹۶	۱۳۹۱	۱۳۸۶	۱۳۸۱	۱۳۷۶	۱۳۷۱	۱۳۶۶	۱۳۶۳	
۶۶/۵	۶۷/۴	۶۶/۱	۶۴/۰	۶۳/۰	۶۱/۳	۶۰/۴	۵۶/۸	۶۰ ساله و بالاتر
۹۷/۶	۹۷/۵	۹۶/۳	۹۵/۳	۹۴/۶	۹۳/۵	۹۲/۴	۸۸/۸	مردان ۶۰ ساله و بالاتر
۳۴/۶	۳۵/۷	۳۳/۱	۲۶/۷	۲۴/۵	۲۲/۹	۲۳/۲	۲۲/۴	زنان ۶۰ ساله و بالاتر
گروه‌های سنی								
۶۱/۸	۶۲/۸	۶۲/۵	۶۱/۷	۶۲/۶	۶۲/۲	۶۱/۵	۶۰/۲	۶۰-۶۹ ساله
۷۱/۶	۷۲/۷	۷۱/۰	۶۸/۵	۶۶/۱	۶۳/۲	۶۱/۷	۵۴/۴	۷۰-۷۹ ساله
۵۷/۷	۷۳/۹	۶۸/۲	۶۱/۳	۵۳/۸	۴۹/۹	۵۱/۴	۴۴/۹	۸۰ ساله و بالاتر
								محل سکونت
۶۷/۱	۶۸/۳	۶۷/۵	۶۵/۳	۶۳/۴	۶۰/۸	۵۹/۰	۵۴/۷	شهری
۶۵/۱	۶۵/۳	۶۳/۵	۶۲/۳	۶۲/۵	۶۲/۲	۶۱/۵	۵۹/۳	روستایی

جدول ۳ انواع خانوارهایی که افراد سالمند آن‌ها را سرپرستی می‌کنند به تفکیک جنس نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تقریباً در تمامی دوره‌ها نیمی از خانوارهایی که مردان سالمند آن‌ها را سرپرستی می‌کنند، از نوع خانوارهای هسته‌ای یا زوجین به همراه حداقل یک فرزند ازدواج‌نکرده هستند. در دوره اول ۴۸/۵ درصد خانوارهای سرپرستی شده توسط مردان سالمند از نوع هسته‌ای بوده است که تا دوره

۱۳۸۵-۱۳۸۱ این رقم به ۵۴ درصد نیز افزایش یافته است. سپس روند کاهشی آنها شروع شده و در دوره پایانی به ۴۸/۶ درصد رسیده است. تفاوت مهمی که در بین دوره‌های ابتدایی با دوره‌های پایانی باید به آن اشاره کرد به خانوارهای زوجین بدون فرزند و خانوارهای گسترده برمی گردد. این دو نوع از خانوار روندهای متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در حالی که در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۳ حدود ۲۱/۳ درصد خانوارهای گسترده توسط مردان سالمند سرپرستی می شدند، این رقم در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۶ به ۸/۳ درصد کاهش یافته است. در طرف مقابل در دوره ابتدایی ۲۴ درصد خانوارهای دارای سرپرست سالمند از نوع زوجین بدون فرزند بوده است که در دوره پایانی به ۳۶ درصد می‌رسد.

آنچه که در رابطه با خانوارهای با سرپرست زن سالمند قابل توجه است، تعداد بالای خانوارهای تک نفره است. همان گونه که در جدول ۱ نیز به آن اشاره شد، ۶۹/۲ درصد خانوارهای با سرپرست زن سالمند از نوع خانوار تک نفره بودند. هرچند در انتهای دوره این رقم به ۵۵/۸ درصد کاهش یافت است اما هنوز هم اکثریت مطلق خانوارها را تشکیل می‌دهد. دومین دسته خانوارهای با سرپرست زن سالمند به خانوارهای تک والد اختصاص دارد. تعداد این خانوارها در طول دوره تقریباً بیش از دو برابر شده است و از ۱۶/۱ درصد به ۳۴/۲ درصد رسیده است. رقم پایین به دست آمده برای خانوارهای زوجین بدون فرزند و زوجین به همراه فرزندان نیز به این دلیل است که در جامعه ایرانی معمولاً وقتی زوجین در خانوار حضور دارند، سرپرستی خانوار بر عهده مردان می‌باشد. درصد خانوارهای گسترده با سرپرست زن سالمند نیز در طول دوره نسبتاً ثابت باقی مانده است هرچند در یک دهه پایانی این رقم رو به کاهش گذاشته است.

جدول ۳- نوع خانوار سرپرستان سالمند برحسب جنس و دوره، ایران ۱۳۹۸-۱۳۶۳

-۱۳۹۸	-۱۳۹۵	-۱۳۹۰	-۱۳۸۵	-۱۳۸۰	-۱۳۷۵	-۱۳۷۰	-۱۳۶۵	
۱۳۹۶	۱۳۹۱	۱۳۸۶	۱۳۸۱	۱۳۷۶	۱۳۷۱	۱۳۶۶	۱۳۶۳	
								مردان
۴/۲	۴/۷	۴/۳	۳/۵	۳/۰	۳/۱	۳/۸	۳/۸	تک‌نفره
۳۶/۱	۳۱/۶	۲۷/۸	۲۵/۰	۲۳/۸	۲۵/۰	۲۳/۸	۲۴/۳	زوجین بدون فرزند
۴۸/۶	۵۱/۳	۵۲/۵	۵۴/۰	۵۱/۹	۵۰/۸	۴۶/۹	۴۸/۵	زوجین به همراه فرزند
۲/۷	۲/۹	۲/۸	۲/۰	۲/۲	۱/۷	۱/۸	۱/۴	تک والد
۸/۳	۹/۳	۱۲/۳	۱۵/۳	۱۵/۳	۱۹/۱	۲۳/۶	۲۱/۳	گسترده
۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۳	۰/۲	۰/۷	ترکیبی
	زنان							
۵۵/۸	۵۶/۱	۶۰/۰	۶۰/۸	۶۳/۰	۶۲/۸	۶۹/۵	۶۹/۲	تک‌نفره
۰/۲	۰/۱	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۸	۲/۸	زوجین بدون فرزند
۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۵	۱/۳	زوجین به همراه فرزند
۳۴/۲	۳۴/۷	۲۹/۷	۲۸/۰	۲۵/۳	۲۲/۸	۱۹/۱	۱۶/۱	تک والد
۹/۲	۸/۷	۹/۷	۱۰/۶	۱۱/۰	۱۳/۳	۱۰/۱	۱۰/۲	گسترده
۰/۴	۰/۲	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۷	۰/۱	۰/۴	ترکیبی

در جدول ۴ رابطه افراد سالمند با سرپرست خانوار در طی دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۳ آورده شده است. این جدول نشان می‌دهد که افراد ۶۰ ساله و بالاتر در طول دوره چه نقشی را در خانوار بر عهده داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مردان سالمند در همه سال‌ها نقش سرپرست خانوار را ایفا کرده‌اند. باین حال همچنان که مشاهده می‌شود در طول زمان بر تعداد آن‌ها افزوده شده است. در ابتدای دوره ۸۸/۸ درصد مردان در سن ۶۰ سال و بالاتر سرپرست خانوار بودند ولی این عدد در دوره پایانی به ۹۷/۶ درصد رسیده است. از طرفی

بار مسئولیت بیشتر در سنین سالمندی...، بگی و عباسی | ۱۵۱

۷/۸ درصد مردان سالمند در دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ به عنوان والدین سرپرست در خانوار حضور داشتند در حالی که این مقدار به ۱/۹ درصد در پایان دوره کاهش یافته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در طول دوره بر تعداد مردان سالمند که مسئول تهیه ملزومات خانوار شناخته می‌شوند، افزوده شده است.

جدول ۴- نقش سالمندان از نظر رابطه با سرپرست خانوار برحسب جنس و دوره، ایران ۱۳۶۳-۱۳۹۸

-۱۳۹۸	-۱۳۹۵	-۱۳۹۰	-۱۳۸۵	-۱۳۸۰	-۱۳۷۵	-۱۳۷۰	-۱۳۶۵	
۱۳۹۶	۱۳۹۱	۱۳۸۶	۱۳۸۱	۱۳۷۶	۱۳۷۱	۱۳۶۶	۱۳۶۳	
								مردان
۹۷/۶	۹۷/۵	۹۶/۳	۹۵/۳	۹۴/۶	۹۳/۵	۹۲/۴	۸۸/۸	سرپرست
۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۵	۱/۷	همسر
۱/۹	۲/۰	۳/۰	۳/۹	۴/۶	۵/۵	۶/۴	۷/۸	والدین
۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۴	برادر/خواهر
۰/۱	۰/۲	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۴	۱/۱	سایر خویشاوندان
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	غیر خویشاوند
زنان								
۳۴/۶	۳۵/۷	۳۳/۱	۲۶/۷	۲۴/۵	۲۲/۹	۲۳/۲	۲۲/۴	سرپرست
۵۵/۵	۵۲/۴	۴۹/۴	۵۰/۴	۴۷/۸	۴۵/۲	۴۰/۴	۳۴/۶	همسر
۸۷	۱۰/۴	۱۵/۱	۲۰/۰	۲۴/۰	۲۷/۰	۳۲/۵	۳۴/۴	والدین
۰/۴	۰/۳	۰/۴	۰/۵	۰/۶	۰/۷	۰/۵	۰/۹	برادر/خواهر
۰/۸	۱/۱	۱/۹	۲/۳	۳/۰	۳/۹	۲/۸	۷/۳	سایر خویشاوندان
۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۴	غیر خویشاوند

بررسی موقعیت زنان سالمند در خانوار شرایط متفاوتی را نشان می‌دهد. در دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ حدود ۲۲/۴ درصد زنان سالمند به عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شدند

در حالی که این رقم در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۶ به ۳۴/۶ درصد رسیده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه تعداد زنان سالمند سرپرست خانوار در مقایسه با هم‌تایان مرد رقم پایین‌تری بوده است با این حال افزایش بیشتری را در مقایسه با مردان تجربه کرده‌اند. بخش عمده این افزایش به دلیل بالا رفتن تعداد زنان سالمندی است که به تنهایی زندگی می‌کنند. در طرف مقابل زنان سالمندی که به‌عنوان والد سرپرست خانوار شناخته می‌شدند در مقایسه با مردان آمار بالاتری را ثبت کرده‌اند. در دوره اول ۳۴/۴ درصد زنان ۶۰ ساله و بالاتر به‌عنوان والدین سرپرست خانوار شناخته می‌شدند که در دوره آخر این رقم به ۸/۷ درصد کاهش داشته است. از طرفی ۳۴/۶ درصد زنان سالمند در ابتدا به‌عنوان همسر سرپرست خانوار شناخته می‌شدند در حالی که این رقم در انتهای دوره به ۵۵/۵ درصد افزایش یافته است. به نظر می‌رسد این افزایش ناشی از تعداد خانوارهای زوجین بدون فرزند باشد. پیش‌تر عباسی شوازی و بگی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای نشان داده بودند که تعداد این خانوارها که در سنین سالمندی نیز به سر می‌برند در طول سه دهه گذشته افزایش یافته است که بخش عمده آن به دلیل افزایش امید زندگی سالمندان و تغییر شیوه‌های سکونت جوانان می‌باشد که پس از ازدواج دیگر همانند گذشته در خانه والدین خود ساکن نمی‌شوند.

در جدول ۵ درصد خانوارهای با سرپرست سالمند که حداقل یک فرزند بزرگ‌سال (۱۸ ساله و بالاتر) در آن زندگی می‌کنند، آورده شده است. در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۳ در ۵۰/۲ درصد خانوارهای با سرپرست مرد سالمند حداقل یک فرزند بزرگ‌سال حضور داشته است که این میزان در دوره پایانی به ۵۲/۸ درصد افزایش یافته است. خانوارهای با سرپرست زن سالمند افزایش بیشتری را در دوره مشابه تجربه کرده‌اند. در ابتدای دوره تنها در ۱۶/۴ درصد این خانوارها یک فرزند بزرگ‌سال زندگی می‌کرد در حالی که در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۶ این رقم برابر با ۳۶/۶ درصد بوده است.

جدول ۵- درصد خانوارهای با سرپرست سالمند و حضور یک فرزند بالغ در خانوار برحسب

جنس سرپرست، ایران ۱۳۶۳-۱۳۹۸

۱۳۹۸-	۱۳۹۵-	۱۳۹۰-	۱۳۸۵-	۱۳۸۰-	۱۳۷۵-	۱۳۷۰-	۱۳۶۵-	
۱۳۹۶	۱۳۹۱	۱۳۸۶	۱۳۸۱	۱۳۷۶	۱۳۷۱	۱۳۶۶	۱۳۶۳	
۵۲/۸	۵۶/۹	۶۱/۹	۶۳/۰	۶۲/۲	۵۷/۰	۵۴/۱	۵۰/۲	مرد
۳۶/۶	۳۴/۵	۳۱/۰	۲۹/۳	۲۷/۱	۲۲/۸	۲۰/۸	۱۶/۴	زن

در جدول ۶ ویژگی‌های فرزندان ۱۸ ساله و بالاتر که در خانوارهایی با سرپرست سالمند زندگی می‌کنند آورده شده است. میانگین سنی این فرزندان در دوره اول ۲۳/۹ سال بوده است که در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۶ به ۳۰/۹ سال افزایش پیدا کرده است. به لحاظ وضعیت زناشویی نیز هر چه به دوره‌های پایانی نزدیک می‌شویم بر تعداد فرزندان هرگز ازدواج‌نکرده افزوده می‌شود. در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۳ حدود ۲۴/۷ درصد فرزندان بزرگ‌سالی که در خانوارهای با سرپرست سالمند زندگی می‌کردند ازدواج کرده بودند در حالی این میزان در دوره پایانی به ۱۲/۴ درصد کاهش داشته است. نکته مهم دیگر اینکه در دو دوره پایانی بر تعداد فرزندان مطلقه که با سرپرستان سالمند زندگی می‌کند افزوده شده است. در ابتدا تعداد این فرزندان نسبتاً ثابت بود ولی در دوره آخر به ۵/۸ درصد افزایش یافته است. وضعیت اشتغال این فرزندان نیز نشان می‌دهد که در دوره ابتدایی ۵۳/۱ درصد آن‌ها شاغل بودند در حالی که در دوره پایانی تنها ۴۰/۷ درصد آن‌ها شاغل هستند. در طرف مقابل تعداد بیکاران تقریباً دو برابر شده است و از ۱۱/۹ به ۲۴/۱ درصد رسیده است.

جدول ۶- ویژگی‌های فرزندان بالغ حاضر در خانوارهای با سرپرست سالمند، ایران ۱۳۹۸-۱۳۶۳

۱۳۹۸- ۱۳۹۶	۱۳۹۵- ۱۳۹۱	۱۳۹۰- ۱۳۸۶	۱۳۸۵- ۱۳۸۱	۱۳۸۰- ۱۳۷۶	۱۳۷۵- ۱۳۷۱	۱۳۷۰- ۱۳۶۶	۱۳۶۵- ۱۳۶۳	
۳۰/۹	۲۸/۷	۲۶/۴	۲۵/۲	۴۵/۷	۲۴/۶	۲۴/۳	۲۳/۹	میانگین سنی
								وضعیت تأهل
۱۲/۴	۱۲/۴	۱۴/۲	۱۶/۵	۱۸/۷	۲۰/۲	۲۳/۸	۲۴/۷	ازدواج کرده
۰/۹	۰/۷	۰/۷	۰/۶	۰/۷	۰/۸	۰/۸	۱/۰	بی‌همسر در اثر فوت
۵/۸	۳/۹	۲/۶	۱/۸	۱/۷	۲/۰	۱/۸	۲/۵	بی‌همسر در اثر طلاق
۸۰/۹	۸۳/۰	۸۲/۶	۸۱/۱	۷۹/۰	۷۷/۰	۷۳/۷	۱۲/۸	هرگز ازدواج نکرده
وضع فعالیت								
۴۰/۷	۳۶/۷	۳۸/۴	۴۴/۶	۴۷/۲	۵۰/۰	۴۹/۰	۵۳/۱	شاغل
۲۴/۱	۲۲/۹	۱۹/۹	۱۶/۶	۱۴/۵	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۱/۹	بیکار در جستجوی کار
۲/۴	۱/۹	۱/۹	۱/۰	۰/۹	۰/۸	۰/۴	۰/۶	دارای درآمد بدون شغل
۷/۰	۱۲/۰	۱۲/۰	۱۰/۲	۱۱/۵	۱۳/۴	۱۰/۳	۹/۲	محصل
۲۰/۶	۲۱/۵	۲۱/۵	۲۱/۷	۲۱/۸	۱۹/۰	۲۰/۵	۱۹/۲	خانه‌دار
۵/۲	۵/۱	۵/۱	۵/۹	۴/۲	۴/۲	۸/۵	۶/۰	سایر

تحلیل چندمتغیره

برای بررسی احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط یک فرد سالمند از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده کردیم. متغیر وابسته سرپرستی خانوار توسط افراد ۶۰ ساله و بالاتر بود که اگر سرپرست خانوار بودند به آن‌ها کد ۱ و اگر سرپرست نبودند کد ۰ داده شد. نتایج آزمون در جدول ۷ آورده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابتدا دوره زمانی به عنوان متغیر مستقل در مدل ۱ وارد شده است تا مشخص شود که آیا حضور در دوره‌های زمانی مختلف می‌تواند بر احتمال سرپرستی افراد سالمند تأثیرگذار باشد یا خیر.

بار مسئولیت بیشتر در سنین سالمندی...، بگی و عباسی | ۱۵۵

در مدل دوّم ویژگی‌های فردی افراد سالمند همچون سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت اشتغال آورده شده است. در مدل سوّم وضعیت حضور یک فرزند بالای ۱۸ سال در خانوار به مدل اضافه شد تا میزان تأثیر ویژگی‌های فردی در زمانی که حداقل یک فرزند بزرگسال در خانوار حضور داشته باشد مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج مدل اول نشان می‌دهد که هر چه به دوره‌های پایانی نزدیک می‌شویم احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط افراد سالمند افزایش پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال این احتمال برای افرادی که در دوره ۱۳۶۶-۱۳۷۰ زندگی می‌کنند در مقایسه با سالمندان دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ حدود ۱۵/۸ درصد بیشتر است در حالی که احتمال سرپرستی سالمندان دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۸ حدود ۵۱/۳ درصد بیشتر می‌باشد. با این حال مقدار آماره نجل_کرک که بیانگر مقدار واریانس تبیین شده در رگرسیون لجستیک می‌باشد تنها ۰/۰۰۶ بوده است که نشان می‌دهد عامل متغیر زمان به تنهایی نتوانسته تغییرات در متغیر وابسته را به‌خوبی تبیین کند.

جدول ۷- نتایج آزمون رگرسیون لجستیک برای بررسی احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط سالمندان

Exp(B)				
مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱		
			(مرجع) ۱۳۶۳-۱۳۶۵	دوره
۱/۰۳۶ ns	۱/۱۹۰ **	۱/۱۵۸ **	۱۳۶۶-۱۳۷۰	
۱/۰۹۵ ns	۱/۳۳۲ **	۱/۲۰۶**	۱۳۷۱-۱۳۷۵	
۱/۴۱۸ **	۱/۶۸۲ **	۱/۲۹۶ **	۱۳۷۶-۱۳۸۰	
۱/۷۰۹ **	۲/۱۲۹ **	۱/۳۵۵ **	۱۳۸۱-۱۳۸۵	
۲/۵۰۷**	۳/۱۹۰ **	۱/۴۸۶ **	۱۳۸۶-۱۳۹۰	
۳/۲۴۶ **	۴/۲۹۷**	۱/۵۷۱ **	۱۳۹۱-۱۳۹۵	
۳/۳۸۱ **	۴/۴۱۲ **	۱/۵۱۳ **	۱۳۹۶-۱۳۹۸	
			مرد (مرجع)	جنس

۰/۰۰۹ **	۰/۰۰۴ **		زن	
			شهری (مرجع)	محل سکونت
۰/۹۶۹ **	۰/۸۶۲ **		روستایی	
۰/۹۸۴ **	۰/۹۶۳ **			سن
			ازدواج کرده (مرجع)	وضعیت تأهل
۲۲/۰۰۵ **	۳۱/۵۷۵ **		بی‌همسر در اثر فوت	
۱۷/۵۳۲ **	۲۳/۵۹۹ **		بی‌همسر در اثر طلاق	
۲/۷۳۵ **	۲/۰۱۸ **		هرگز ازدواج نکرده	
			بی‌سواد (مرجع)	تحصیلات
۱/۱۴۶ ns	۱/۶۶۳ **		ابتدایی	
۱/۰۱۹ ns	۱/۸۷۲ **		راهنمایی و متوسطه	
۱/۱۸۳ ns	۲/۶۶۱ **		دانشگاهی	
			خیر (مرجع)	شاغل
۴/۵۵۰ **	۴/۹۷۷ **		بلی	
			خیر (مرجع)	حضور فرزند بالغ در خانوار
۰/۴۳۵ **			بلی	
۶۲/۱۵۱ **	۵۹/۱۲۵ **	۱/۳۱۴ **		عرض از مبدأ
۰/۷۷۵	۰/۷۱۴	۰/۰۰۶	Nagelkerke R Square	

* معنی‌دار در سطح خطای ۵ درصد، ** معنی‌دار در سطح خطای ۱ درصد، ns غیر معنی‌دار

در مدل دوّم، ویژگی‌های فردی افراد سالمند وارد مدل شدند تا مشخص شود که کدام ویژگی‌ها بیشترین تأثیرگذاری را بر احتمال سرپرستی سالمندان دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با ورود ویژگی‌های فردی بر تأثیر متغیر زمان افزوده شده است. در حالی که در مدل اول، احتمال سرپرستی افراد سالمند در دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۸ حدود ۱/۵ برابر دوره مرجع بوده است، در مدل دوّم این احتمال ۴/۴ برابر بیشتر است. تأثیر همه متغیرهای وارد شده در این مرحله معنادار شده است. نتایج نشان می‌دهد که احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط زنان کمتر از مردان بوده است. همچنین افراد سالمندی که در

روستاها ساکن هستند کمتر از هم‌تایان خود در شهرها احتمال دارد سرپرستی خانوار را بر عهده داشته باشند. تأثیر متغیر سن نیز به صورت منفی و معکوس بوده است و انتظار می‌رود هر چه به سنین خیلی بالاتر نزدیک می‌شویم از احتمال سرپرستی نیز کاسته خواهد شد.

وضعیت تأهل افراد نقش مهمی در بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط آنان دارد. نتایج جدول بیانگر آن است که احتمال سرپرستی خانوار توسط فردی بیوه $31/5$ و توسط فردی مطلقه $23/5$ برابر بیشتر از یک فرد دارای همسر است. افزایش تحصیلات نیز دارای تأثیری مثبت بر احتمال سرپرستی توسط سالمندان می‌باشد. به این صورت که احتمال سرپرستی افراد با سطح تحصیلات بالاتر بیش از افراد بی‌سواد می‌باشد. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که احتمالاً افراد با تحصیلات بالاتر از مقرری‌های بازنشستگی برخوردارند و لذا هنوز توانایی سرپرستی خانوار را دارند و آن را به فرزندان خود واگذار کرده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که افراد سالمند شاغل $4/6$ برابر بیشتر از افراد غیر شاغل احتمال دارد تا سرپرست خانوار باشند. نکته بسیار مهم در مدل دوم، افزایش بسیار زیاد مقدار واریانس تبیین شده می‌باشد. ورود ویژگی‌های فردی سالمندان به مدل سبب افزایش ضریب تبیین شده است به طوری که مجموع متغیرهای وارد شده توانسته‌اند $71/4$ درصد تغییرات در احتمال سرپرستی افراد سالمند را تبیین کنند.

همان‌گونه که بیان شد در بسیاری از جوامع در حال توسعه، شبکه‌های خویشاوندی می‌توانند نقش مهمی در نگهداری از سالمندان داشته باشند. در چنین مواردی حضور یک فرزند بزرگ‌سال باعث می‌شود که وی وظیفه نگهداری از والدین سالمند و سرپرستی خانوار را بر عهده بگیرد. لذا انتظار می‌رود حضور یک فرزند بزرگ‌سال بر احتمال سرپرستی سالمندان تأثیر مهمی داشته باشد. در مدل سوم جدول ۷، متغیر حضور یک فرزند بزرگ‌سال وارد مدل گردید تا مشخص شود که آیا این عامل می‌تواند تأثیرگذاری متغیرهای دیگر را دچار تغییر کند یا خیر. یافته‌ها حاکی از آن است که احتمال سرپرستی خانوار توسط یک فرد سالمند در خانوارهایی که حداقل یک فرزند بزرگ‌سال حضور داشته است، $56/5$ درصد کمتر از زمانی است که هیچ فرزند بزرگ‌سالی در خانوار

حضور نداشته باشد. ورود این متغیر به مدل همچنین سبب شده است تا تأثیر متغیرهای دیگر حاضر در مدل با تغییراتی روبرو شود.

تأثیر متغیر زمان در مقایسه با مدل ۲ کاهش داشته است به طوری که احتمال سرپرستی در دوره‌های دوّم و سوّم در مقایسه با دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۳ غیر معنادار شده است. باین حال، این احتمال در دوره‌های دیگر همچنان بیشتر از دوره مرجع می‌باشد. ضرایب مربوط به متغیر وضعیت تأهل با کاهش روبرو شده است و نشان می‌دهد هنگامی که به لحاظ حضور فرزند بزرگ‌سال تفاوتی بین خانوارها وجود نداشته باشد، احتمال بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار توسط یک فرد سالمند بیوه یا مطلقه بسیار بیشتر از یک فرد سالمند دارای همسر می‌باشد. ما همچنین شاهد هستیم که تأثیر سطح تحصیلات در همه طبقات به لحاظ آماری تفاوت معناداری با افراد بی‌سواد نداشته است. مقدار واریانس تبیین شده در مدل سوّم نیز در مقایسه با مدل قبلی افزایش داشته است و به $0/775$ (۷۷/۵ درصد) رسیده است که خود بیانگر اهمیت حضور یک فرزند بزرگ‌سال در تبیین تغییرات احتمال سرپرستی سالمندان می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

ساختار خانوار و ترتیبات زندگی سالمندان در کشورهای توسعه‌یافته روزبه‌روز توجهات بیشتری را به خود معطوف می‌کند زیرا پدیده سالخوردگی جمعیت بسیاری از این جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. با افزایش میانگین سنی جمعیت، دولت‌ها بایستی سیاست‌هایی را برای رفع نیازهای افراد سالمند، از جمله موارد مربوط به مسکن، اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، حمایت اجتماعی و سایر اشکال همبستگی بین نسلی به کار گیرند.

در حال حاضر بیش از دو سوّم جمعیت سالمند جهان در کشورهای توسعه‌یافته زندگی می‌کنند و این امر دولت‌ها را با نگرانی‌هایی روبرو کرده است. نکته امیدوارکننده در رابطه با ترتیبات زندگی سالمندان در این کشورها این است که حمایت‌های خانوادگی همچنان در سطح بالایی قرار دارد. در سال ۲۰۱۰ بیش از نیمی از سالمندان بالای ۶۰ سال

در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب به همراه فرزندان خود زندگی می‌کردند این در حالی است که این میزان در اروپا و آمریکای شمالی تنها ۲۰ درصد بوده است (United Nations, 2017: 1). این موضوع می‌تواند تا حدی از فشار وارده بر منابع دولتی در رابطه با هزینه‌های مراقبتی سالمندان بکاهد.

میزان‌های سرپرستی سالمندان در بیشتر جوامع در سطح بالایی قرار دارد. در جوامع توسعه یافته این امر بیشتر به دلیل تعداد زیاد سالمندان در کل جمعیت و نیز تنها ماندن آنان در خانوار است. بیشتر آن‌ها بدون فرزندان خود زندگی می‌کنند و لذا سرپرستی خانوار را به عهده‌دارند. در جوامع سنتی‌تر این امر علاوه بر تنها ماندن سالمندان، می‌تواند به دلیل جایگاه اجتماعی آنان در خانواده و خانوار نیز باشد. در این خانوارها حتی زمانی که سالمندان به همراه فرزندان بالغ خود زندگی می‌کنند و بیشتر امور خانواده نیز بر عهده فرزندان است، اما به خاطر حفظ احترام والدین سالمند، آن‌ها به‌عنوان سرپرست خانوار معرفی و شناخته می‌شوند.

به‌عنوان مثال میزان‌های سرپرستی سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر در سال ۲۰۱۰ در مالزی حدود ۶۱ درصد برآورد شده است (Alias, 2018: 4; Rawan et al, 2017: 3). در سال ۲۰۰۶ در هنگ‌کنگ ۶۳/۵ درصد افراد بالای ۶۵ سال، سرپرست خانوار بوده‌اند (Tu & Wang, 2013: 68). در هند نیز میزان‌های سرپرستی خانوار برای زنان سالمند ۱۳/۶ و برای مردان ۷۸/۶ درصد گزارش شده است (Rajan & Kumar, 2003: 76). این میزان در مطالعه حاضر و برای سال ۲۰۱۶ حدود ۶۷ درصد می‌باشد. موضوع دیگر روند تغییرات در میزان‌های سرپرستی سالمندان در طول زمان می‌باشد. در آمریکا میزان سرپرستی سالمندان در ۱۹۹۰ نزدیک به ۶۸/۶ درصد بوده است که تا سال ۲۰۰۲ حدود ۲/۹ درصد کاهش داشته است (Carliner, 2003: 8) و اگر آمارهای سال ۲۰۱۶ را ملاک قرار دهیم این کاهش به ۷ درصد نیز می‌رسد. مقایسه آمارهای مالزی در فاصله ۲۰۱۰-۲۰۰۰ نیز نشان از ثبات این میزان‌ها داشته است. حال آنکه میزان سرپرستی افراد ۶۰ ساله و بالاتر در ایران در طول دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۳ با افزایش همراه بوده است (۱۰ درصد افزایش). نکته مهم‌تر به

سنین بالاتر مربوط می‌شود. درحالی‌که در مالزی میزان‌های سرپرستی گروه‌های سنی ۷۰ ساله و بالاتر با کاهش همراه بوده است، در ایران این میزان‌ها حتی افزایشی بالای ۲۰ درصد ثبت کرده‌اند.

این در حالی است که بر اساس نظریه‌های انتظاری انتظار می‌رود وقتی به سنین خیلی بالا می‌رسیم احتمال سرپرستی کاهش پیدا کند. طبیعی است که توانایی مدیریت و سرپرستی امور خانوار در این سنین بسیار دشوار خواهد بود و لذا آنان بایستی نقش‌های خود را واگذار کنند. کامینگ و هنری^۱ (۱۹۶۱) به این موضوع اشاره می‌کنند که افراد سالخورده به دلیل بازنشستگی، بیوه بودن یا عدم توانایی شرکت در فعالیت‌ها، بخشی از نقش‌های اجتماعی خود را رها می‌کنند. باین حال همان‌گونه که هریس^۲ (۱۹۷۵) به آن اشاره می‌کند این موضوع می‌تواند در بین فرهنگ‌ها متفاوت باشد زیرا نحوه مراقبت از سالمندان و ترتیبات زندگی آن‌ها می‌تواند از فرهنگ و سبک زندگی جوامع تأثیر پذیرد. در رابطه با ایران می‌توان یادآور شد که باوجود تغییرات ارزشی و نگرشی رخ داده در سالیان گذشته، حمایت بین نسلی همچنان قوی است و در سال ۱۳۹۵ تنها ۷ درصد افراد به‌تنهایی زندگی می‌کنند و در طول سه دهه تعداد سالمندانی که به‌تنهایی زندگی می‌کنند افزایش اندکی داشته است.

افزایش میزان‌های سرپرستی سالمندان را می‌توان هم از جنبه مثبت و هم از جنبه منفی آن مورد بررسی قرار داد. بر عهده گرفتن سرپرستی خانوار سبب می‌شود تا سالمند در خانواده نقش محوری و مهم خود را حفظ کند. انجام این‌گونه فعالیت‌ها و بر عهده گرفتن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی می‌تواند اثرات مثبتی برای وضعیت روحی و روانی و حتی جسمی فرد سالمند در پی داشته باشد. بر اساس نظریه فعالیت، سالخوردگی موفق هنگامی اتفاق می‌افتد که افراد سالخورده فعال باقی بمانند و تعاملات اجتماعی خود را حفظ کنند. بر اساس این دیدگاه زمانی که افراد سالخورده به لحاظ اجتماعی فعال باقی می‌مانند، روند

1. Cumming & Henry
2. Harris

سالخوردگی به تأخیر افتاده و کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد. بلیس^۱ (۲۰۱۲) به این موضوع اشاره می‌کند که سالمندان نیاز به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها دارند و سطح بالای مشارکت در فعالیت‌ها، رضایت شخصی را افزایش داده و در ایجاد هویت اجتماعی کمک می‌کند. نکته منفی این موضوع این است که سرپرستی خانوار و انجام امور خانواده بعضاً فشار مضاعفی بر دوش فرد سالمند قرار می‌دهد. سنین سالمندی زمانی برای استراحت افراد سالخورده می‌باشد ولی برای افرادی که در کشورهای توسعه‌یافته زندگی می‌کنند، جایی که نظام‌های تأمین اجتماعی چندان پیشرفته و تکامل یافته نیستند، بر مشکلات آنان خواهد افزود.

آنچه که می‌تواند وجود این جنبه‌های مثبت و منفی را تعیین کرده و بر آن‌ها تأثیرگذار باشد، حضور فرزندان بزرگ‌سال در خانوار است. بونگارت و زیمر (۲۰۰۲) در مطالعه ترتیبات زندگی سالمندان در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کنند که هم‌سکنایی سالمندان و فرزندان در آسیا بیش از سایر مناطق بوده است. در ایران این هم‌سکنایی در طول زمان افزایش یافته است به طوری که بر تعداد خانوارهای دارای سرپرست سالمند که حداقل یک فرزند بالای ۱۸ سال در آن زندگی می‌کند افزوده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که ورود این متغیر به تحلیل‌ها تأثیر دیگر متغیرها همچون تحصیلات و زمان را کاهش می‌دهد. ضمن اینکه تأثیر بسیار زیادی بر تبیین تغییرات در احتمال سرپرستی سالمندان دارد. همچنین در نتایج تحلیل چندمتغیره آشکار شد که حضور فرزندی بزرگ‌سال احتمال سرپرستی سالمندان را کاهش می‌دهد. حضور فرزندان بزرگ‌سال در خانوار و رابطه منفی بین حضور آن‌ها و سرپرستی خانوار توسط سالمندان می‌تواند این خوش‌بینی را به وجود آورد که در آینده سالمندان بیشتری با فرزندان خود زندگی کنند و سرپرستی خانوار نیز بر عهده فرزندان باشد، لذا انتظار می‌رود سالمندان با فشار کمتری مواجه شوند. حضور فرزندان در خانوار به لحاظ مراقبت‌های سالمندی بسیار مهم است

به‌ویژه اینکه نظام‌های تأمین سلامت و مراقبت در ایران هنوز با کمبودهای زیادی مواجه است و با درجه بلوغ و تکامل کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیادی دارد.

با این حال نکته مهم‌تر که نباید از آن غافل شد این است که در چنین خانوارهایی افراد سالمند به‌عنوان سرپرست شناخته می‌شوند نه فرزندان بزرگ‌سال. اگر این فرزندان شاغل نباشند و یا تنها به دلیل عدم ازدواج و ادامه تحصیلات هنوز در خانوار باقی‌مانده باشند، در واقع بار مسئولیت اصلی هنوز بر دوش سالمندان خواهد بود زیرا آن‌ها بایستی مایحتاج و ملزومات این فرزندان را نیز تأمین کنند. ما به این نکته اشاره کردیم که ۸۲ درصد فرزندان بزرگ‌سالی که در خانوارهای با سرپرست سالمند حضور دارند هنوز ازدواج نکرده‌اند و تنها ۳۷ درصد آن‌ها شاغل هستند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که این هم‌سکنایی بیش از آن که به نفع والدین سالمند باشد احتمالاً به نفع فرزندان آن‌ها تمام شده است.

سخن‌نهایی اینکه به نظر نمی‌رسد که تغییرات در ترتیبات زندگی سالمندان در ایران در طی چهار دهه گذشته در جهت رفاه و آسایش بیشتر آن‌ها بوده باشد و این افراد با وجود اینکه بایستی در این سنین آرامش خاطر بیشتری داشته باشند، در واقع مسئولیت‌های بزرگ‌تری را پذیرفته‌اند. جای سؤال باقی است که این وضعیت در ساختار سالخورده جمعیت در آینده چگونه خواهد بود؟ بسترسازی و نهادینه کردن خدمات سالمندی و ارائه خدمات مراقبت از سالمندان توسط نهادهای دولتی و غیردولتی می‌تواند بخشی از بار مضاعفی که بر روی دوش سالمندان است را کاهش دهد. حمایت از خانواده‌های دارای فرد سالمند بایستی هدف اصلی برنامه‌های بازنشستگی باشد. نتایج نشان داد که درصد زیادی از سالمندان با یک فرزند بالغ زندگی مشترک دارند. با این وجود، هزینه‌های بالای زندگی به‌ویژه در مناطق شهری ممکن است سبب تجدیدنظر در این هم‌سکنایی شود. هرچند این امر تنها در صورتی تحقق می‌یابد که هم سالمندان و هم جوانان از توانایی مالی کافی برای تأمین هزینه‌های خود در آینده برخوردار باشند.

منابع

- بگی، میلاد. (۱۳۹۷)، پویایی خانوار در ایران: عوامل مؤثر بر تغییرات در ترتیبات زندگی افراد، ساختار و بُعد خانوار در طی سه دهه اخیر، پایان‌نامه دکتری رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ضرغامی، حسین و فریمان، محمود. (۱۳۹۴)، "بررسی تحلیلی ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی سالمندان کشور"، مجله بررسی‌های آماری رسمی ایران، سال ۲۶، شماره ۲: ۱۳۹-۱۶۰.
- عباسی شوازی، محمد جلال و بگی، میلاد (۱۳۹۹)، "ترتیبات زندگی و شکل‌گیری خانوارهای جدید توسط جوانان در ایران: شواهدی از تأخیر در گذار به زندگی مستقل"، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۶، شماره ۵۹: ۲۴۳-۲۷۴.
- عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول. (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.
- علیپور، محمدصادق؛ میرمحمد، مهرنوش؛ حکیمی‌پور، نادر و غلامی، محمد. (۱۳۹۷)، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جوانان بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
- قبادی، محترم. (۱۳۸۹)، مطالعه عوامل تعیین‌کننده هم‌سکنایی سالمندان با فرزندان در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۶۵.
- میرزایی، محمد؛ دارابی، سعداله و باباپور، میترا. (۱۳۹۶)، "سال‌خوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان"، سالمند: مجله سالمندی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲: ۱۵۶-۱۶۹.

- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The fertility transition in Iran*, Springer.

- Alias, A. R., Zainun, N. Y., Rahman, I. A., Suratkon, A., Sulaiman, N., Ghazali, F. M., & Shamsuddin, N. (2018). "Headship Rate Projections for Housing

- Demand in Johor, Malaysia”. *Journal of Physics: Conference Series*, 1019 (1), p. 012005. IOP Publishing.
- Atchley, R. C. (1999). *Continuity and adaptation in aging*. Baltimore: The John Hopkins University Press.
 - Becker, G. S. (1991). *A Treatise on the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - Blace, N. P. (2012). “Functional ability, participation in activities and life satisfaction of the older people”. *Asian Social Science*, 8(3), 75.
 - Bongaarts, J., & Zimmer, Z. (2002). Living arrangements of older adults in the developing world: an analysis of demographic and health survey household surveys. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 57(3), 145-157.
 - Carliner, M. (2003). “Headship rates and housing demand”, *Housing Economics*, 2003 June. 8-12.
 - Casterline, J. B., Hermalin, A. I., & Williams, L. (1991). *Differences in the Living Arrangements of the Elderly in Four Asian Countries: The Interplay of Constraints and Preferences*. University of Michigan, Population Studies Center.
 - Choi, N. G. (2003). “Coresidence between unmarried ageing parents and their adult children: Who moved in with whom and why?.” *Research on Aging*, 25(4), 384-404.
 - Cowgill Donald, O. (1986). *Aging around the world*. Belmont: Wadsworth.
 - Cumming, E., & Henry, W. (1961). *Growing Old: The Process of Disengagement*. New York: Basic Book.
 - Diggs, J. (2008). *Activity theory of aging*. In *Encyclopedia of aging and public health* (pp. 79–81). Springer US.
 - Ferraro, K. F., Shippee, T. P., & Schafer, M. H. (2009). *Cumulative inequality theory for research on aging and the life course*. In V. L. Bengtson, D. Gans, N. M. Pulney, & M. Silverstein (Eds.), *Handbook of theories of aging* (p. 413–433). Springer Publishing Company.
 - Furlong, A., & Cartmel, F. (2006). *Young people and social change*. McGraw-Hill Education (UK).
 - Harris, J. E. (1975). The effect of activity therapy as a treatment for disengaged community-residing elderly persons, *Doctoral dissertation*, Texas Tech University.

- Hildreth, G. J., Van Laanen, G., Kelley, E., & Durant, T. (1980). "Participation in and enjoyment of family maintenance activities by elderly women". *Family Relations*, 29(3), 386-390.
- Kahn, J. R., Goldscheider, F., & García-Manglano, J. (2013). "Growing parental economic power in parent-adult child households: Coresidence and financial dependency in the United States, 1960-2010". *Demography*, 50(4), 1449-1475.
- Lesthaeghe R, Surkyn J (2002). "New forms of household formation in Central and Eastern Europe: Are they related to newly emerging value orientations?" Economic Survey of Europe, *UN Economic Commission for Europe, Geneva*, 197-216.
- Lesthaeghe, R. (2014). "The second demographic transition: A concise overview of its development". *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(51), 18112-18115.
- Lin, Ge, "Reading Changes in Family Support through Regional Development in China" (2001). *Regional Research Institute Working Papers*. 148. Available at 2021/02/16: https://researchrepository.wvu.edu/rri_pubs/148
- Marshall, V. W., & Bengtson, V. L. (2011). *Theoretical perspectives on the sociology of aging*. In Handbook of sociology of aging (pp. 17-33). Springer, New York, NY.
- Minhat, H. S. (2013). "Continuity Theory of Ageing and Leisure Participation among Elderly Attending Selected Health Clinics in Selangor". *The International Medical Journal of Malaysia*, 12(2), 51.
- Mohd, S., Senadjki, A., & Mansor, N. (2017). "Living arrangements of elderly: Evidence from household income expenditure survey". *Journal of Population Ageing*, 10(4), 323-342.
- Rajan, S. I., & Kumar, S. (2003). "Living arrangements among Indian elderly: New evidence from national family health survey". *Economic and Political Weekly*, 38(1), 75-80.
- Rawan, N. M., Zainun, N. Y., Alias, A. R., & Ibrahim, I. S. (2017). "Headship Rate for Population Projection in Johor Bahru". In *MATEC Web of Conferences*, 87, p. 01023. EDP Sciences.
- Thornton, A., Chang, M. C., & Sun, T. H. (1984). "Social and economic change, intergenerational relationships, and family formation in Taiwan". *Demography*, 21(4), 475-499.
- Tu E. JC., Wang J. (2014) *Patterns and Changes in Household Structure in Hong Kong*. In: Poston, Jr. D., Yang W., Farris D. (eds) *The Family and Social*

Change in Chinese Societies. The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis, vol 35. Springer, 59-77, Dordrecht.

https://doi.org/10.1007/978-94-007-7445-2_4.

- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2019). *World Population Prospects 2019*, customs data acquired via website: <https://population.un.org/wpp/DataQuery/>.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2017). *World Population Ageing 2017 - Highlights (ST/ESA/SER.A/397)*.
- Wiemers, E. E., Slanchev, V., McGarry, K., & Hotz, V. J. (2017). "Living arrangements of mothers and their adult children over the life course". *Research on ageing*, 39(1), 111-134.
- World health organization (2020) *Proposed working definition of an older person*, Available at 2020/02/13: <https://www.who.int/healthinfo/survey/ageingdefnolder/en/>